

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۸۹/۱۱/۰۴

تاریخ پذیرش نهایی: ۱۳۹۰/۰۳/۰۴

بیبا حاجبی^۱، محمود ارژمند^۲

تأثیرات وقف بر پایداری مدارس صفوی^۳

چکیده

امروزه برنامه و روشی که در عین حفظ منابع طبیعی، نیاز نسل‌های کنونی و آینده اجتماع را به صورتی مستمر تأمین کند، پایدار محسوب می‌شود. نظام وقف در تاریخ جوامع اسلامی نمونه‌ای از برنامه‌ریزی پایدار را در سنتی هزار ساله نشان می‌دهد. با مطالعه تاریخ این جوامع، مجموعه بناهایی را می‌توان یافت که به دلیل اجرای سنت وقف، پایداری طولانی‌تری از بناهای دیگر داشته‌اند و همچنان با کاربری اولیه خود ادامه حیات می‌دهند؛ بدین صورت که بخشی از درآمد موقوفات صرف حفظ بنا و بخشی نیز صرف مستمری طلاب و مدرسین و عوامل مدرسه می‌شود. بررسی و تحلیل فضاهای این مدارس نشان می‌دهد که کالبد بناها نیز پاسخگوی این نیازهای چندگونه بوده‌اند. بنابراین می‌توان تأثیرات وقف را در مدارس، به دو دسته تقسیم کرد: دسته نخست، آنهایی هستند که جنبه کالبدی ندارند؛ و دسته دوم، آنهایی که مستقیماً با سیمای فیزیکی و کالبدی مدارس مرتبط‌اند. در این مقاله با مطالعه و بررسی وقف‌نامه‌ها و سفرنامه‌ها و تحلیل فضای معماری مدارس، تأثیرات وقف بر برنامه آموزشی و کالبدی مدارس دوره صفوی، و در نهایت تأثیرات آن به عنوان یک عامل در پایداری مدارس این دوره بیان می‌شود.

کلیدواژه‌ها: وقف، دوره صفوی، پایداری، معماری پایدار، مدرسه.

^۱ دانشجوی کارشناسی ارشد مطالعات معماری ایران، دانشگاه هنر اصفهان، استان اصفهان، شهر اصفهان
E-mail: b_hajebi@yahoo.com

^۲ عضو هیئت علمی دانشگاه هنر، استان تهران، شهر تهران (نویسنده مسئول)
E-mail: marzmand@yahoo.com

^۳ این مقاله برگرفته از پایان‌نامه کارشناسی ارشد بیبا حاجبی در رشته مطالعات معماری با عنوان «انعطاف‌پذیری کالبد مدارس صفوی اصفهان» به راهنمایی محمود ارژمند در دانشگاه هنر اصفهان است.

مقدمه

در قرون اولیه، عمدتاً مسجدها محل تدریس بودند و در واقع تا اواخر قرن سوم هجری فضایی خاص تعلیمات دینی وجود نداشت. به تدریج از اوایل قرن چهارم، به دلیل زیاد شدن تعداد طلابی که از سرزمین‌های دور برای دیدن استاد می‌آمدند و به محل اقامت نیاز داشتند، تداخل دو عملکرد آموزشی و مذهبی در بنایی واحد با مشکلات عدیده‌ای روبه‌رو گشت و ضرورت ایجاد فضایی مستقل را محسوس ساخت. بدین ترتیب، مدارس از سوی نیکوکاران و سلاطین در پاره‌ای از شهرها همچون بلخ، بخارا، نیشابور، غزنه و برخی دیگر برپا گردیدند. مدرسه بیهقیه^۲ و مدرسه سعدیه در نیشابور، از این مواردند که در آنها -علاوه بر فضای تدریس- حجره‌هایی برای سکونت طلاب و موقوفاتی برای تأمین مخارج مدرسه در نظر گرفته شده بود.

این مدارس خصوصی در مراحل نخست، متشکل از خانه هر استاد به عنوان محل تدریس وی به دانشجویانش بود. در این شرایط مراقبت و اداره مدرسه به وسیله فردی که احتمالاً هم مؤسس آن بود و هم مدرس آن، انجام می‌پذیرفته و این امر به عنوان سنت خانوادگی از نسلی به نسلی منتقل می‌گردیده است (غنیمه، ۱۳۶۴، ۱۱۱). همچنین تا پیش از قرن چهارم هجری در زمینه تأسیس خانه‌های رایگان برای دانشجویان فعالیتی نشده بود. کهن‌ترین خبری که در این باب به ما رسیده است اقدام امام محدث «ابوحاتم بن حبان بستی» (۳۵۴ هجری) است، که منزلگاهی برای استفاده دانشجویان غریب که نزد وی به تحصیل حدیث و فقه اشتغال داشتند در نظر گرفت و برای آنان از دارایی خود خوراک و مخارج روزانه برقرار ساخت (همان).

همچنین غنیمه از مقریزی نقل می‌کند در ۳۸۷ هجری، خلیفه «العزیز بالله فاطمی» به اشاره وزیر خود «یعقوب بن کلس»، خانه‌ای را در «جامع‌الازهر» مصر برای فقها تأسیس کرد و ارزاقی کافی برای‌شان مقرر کرد.

بنابراین، در پی تأسیس مدارس در قرن چهارم، نقطه عطفی در زندگی دانشجویان ایجاد شد و در حقیقت موجبات یک نوع بیمه اجتماعی فراهم گردید و این به دلیل حقوق‌های معین و روزی مستمری بود که اوقاف به این طبقه اختصاص داده بود.

در قرن پنجم هجری نیز هنگامی که مدارس نظامیه بنیاد یافتند، نظام‌الملک اعلام داشت که آموزش سراسر رایگان است و گذشته از آن برای دانشجویان کمک هزینه تحصیلی منظمی برقرار ساخت (سبکی، ۱۳۲۴، ۲). در نظامیه‌ها هزینه‌ای هم برای مدرسان پرداخت می‌شد. این هزینه بر اساس معلومات و رتبه علمی آنها بود؛ چنان‌که در «بدایع‌الازمان» در شرح سلطنت سلطان «محمد بن ارسلان شاه» در کرمان (۵۵۱-۵۳۷ هجری) آمده است:

«در اول سلطنت، تربیت علما و فقها و اهل هنر کردی، چون مدارس ساخت و اوقاف گران بفرمود و مقرری طلبه بر آن قرار داد... و هر کس که قدوری یاد گیرد، صد دینار آقچه، در دست همت خود واجب کردم که هر سال به وجه ادرار رسانیم و اگر جامع‌الصغیر یاد گیرد پانصد دینار بدهیم و اگر جامع‌الكبیر یاد بگیرد هزار دینار به وی رسانیم تا بدین امید، هزار مرد، فقیه و مفتی شدند» (کرمانی، ۱۳۲۶، ۲۸ و ۲۹).

بعد از سلاجقه در دوران ایلخانیان نیز سنت وقف ادامه یافت، «غازان خان» در این دوران با پذیرش اسلام، برنامه اصلاحات پر دامنه‌ای راه انداخت و اقتصاد مملکت را زنده کرد و برای تأسیس شمار فراوانی از بناهای جدید، به ویژه بناهای مذهبی، مبالغ هنگفتی در نظر گرفت؛ وی دستور داد در راه‌های اصلی کاروانسراهایی برپا دارند و در شهرهای مختلف حمام‌های عمومی بسازند و عواید آنها را موقوفه مساجد ساخته شده، کنند (بلر و بلوم، ۱۳۸۶، ۱۷). «خواجه رشیدالدین

فضل‌الله»، وزیر غازان خان، در محله «ربع رشیدی» در تبریز، کوچه‌ای را به علما اختصاص داد. وی در نامه‌ای در «مکاتبات رشیدی»، نوشت:

«مردم از هر شهر و مملکت به بنیاد مزبور منتقل شده‌اند ... و در میان آنان ۲۰۰ قاری قرآن است... و به ۴۰۰ تن از علما و حکما و فقها و محدثان در کوچه‌ای که به نام خیابان علما موسوم است، مسکن داده‌ایم و به همه آنان مقرری روزانه و مستمری و هزینه سالیانه اعطا شده است» (ویلبر، ۱۳۶۵، ۲۳).

این سنت در دوران تیموریان نیز دنبال شد، اما در دوره صفویه به اوج خود رسید. با به حکومت رسیدن صفویان، مدارس با انگیزه‌های جدیدی رشد و توسعه یافت. یکی از شاخص‌های سلسله صفوی، که تحولات سیاسی - اجتماعی و مذهبی شگرفی را در ایران رقم زد، رسمیت یافتن مذهب تشیع بود. نیاز تبلیغی برای ترویج تشیع در کشور پهناوری که تا پیش از این دست‌کم رسماً زیر نفوذ اهل سنت بود، در بعد مذهبی از یک سو و استفاده از تشیع برای ایجاد وحدت ملی در جهت مقابله با عثمانیان سنی مذهب متعصب که دشمن صفویان بودند، ایجاد تشکیلات سازمان‌یافته روحانیون برای ترویج و تحکیم مبنای عقیدتی شیعه امامیه را ایجاب کرد. از این رو حکومت صفوی به مدرسه همچون عامل تغذیه‌کننده و پشتیبان عقیدتی برای پیشبرد اهداف مذکور توجه کرد و آن را رشد و توسعه بخشید.

همچنین شاهان صفوی به موضوع تعلیم و تربیت علاقه نشان می‌دادند؛ در زمان «شاه سلطان حسین»، او به‌رغم ضعف شخصی در اداره حکومت، علاقه وافری به علم و تعلیم و تربیت داشت و از این جهت سرآمد صفویان بود. او یکی از حجره‌های مدرسه چهارباغ را به خود اختصاص داد و به طور منظم در جلسات بحث و نظر شرکت می‌جست (سمیع‌آذر، ۱۳۷۶، ۱۱۷).

تحول دیگر در عهد صفوی، استقلال نسبی مدارس بود، سنت قدیمی وقف روشی بود که با آن، مدارس می‌توانستند استقلال نسبی خود را از دربار حفظ کنند. برای تأمین هزینه‌های مدرسه، موقوفاتی بدان منضم می‌شد که از محل درآمد آنها مخارج مدرسه و مستمری شاگردان عاید می‌گردید و این باعث می‌شد که پیش از تشکیل سازمان و اداره‌ای برای تعلیم و تربیت، مردم خود به ساخت و احداث مدرسه و مکتب می‌پرداختند و آن را وقف مسلمانان می‌کردند و شرایط مدرس و متولی و طلبه و کتب مورد تدریس و نحوه دخل و خرج آن را مشخص و مدون می‌ساختند.

اوج رقابت میان واقفان در عهد صفوی به قدری زیاد بود که در اواخر عهد صفوی در اصفهان برای موقوفات تازه زمین بایر و محل قابل خرید وجود نداشته و اهل خیر ناچار شده‌اند در کاشان و سایر ولایات اطراف به جست‌وجوی زمین‌هایی برای وقف مساجد و مدارس بروند و هنوز نیز بعضی املاک مهم اطراف کاشان وقف مدرسه سلطانی اصفهان (مدرسه چهارباغ) است (سپنتا، ۱۳۴۶، ۳۷).

«شاردن» در گزارش خود در مورد نحوه احداث موقوفات برای مدرسه چنین می‌آورد:

«... اولین قدم معمولاً احداث کاروانسرا بود که خود درآمد قابل توجهی را عاید می‌ساخت. سپس حمام، قهوه‌خانه، بازار و باغ نیز بدان افزون می‌گردید. در نهایت مدرسه‌ای برپا می‌گشت و از محل درآمدهای این موقوفات هزینه‌های آن تأمین می‌شد» (شاردن، ۱۳۴۹، ۴۵).

«کمپفر» به رقابت شاه و رجال و ثروتمندان کشور در ساختن تأسیسات عام‌المنفعه و اختصاص موقوفات و اداره آنها اشاره می‌کند (کمپفر، ۱۳۶۳، ۱۴۰).

به طور معمول، تمام جزئیات اداره مدرسه از انتصاب تولیت آن تا میزان حقوق طلاب و کارکنان و در مواردی حتی موضوعات درسی در وقف‌نامه‌ها ذکر می‌گردید. بدین ترتیب سنت

وقف باعث خودکفایی مالی و در نتیجه استقلال نسبی در مدارس می‌شد. همین امر باعث گردید تا به‌رغم ضعف و انحطاط نسبی حکومت و دستگاه اداری جامعه در اواخر عصر صفوی و ادوار پس از آن، مدارس کماکان فعالیت آموزشی خود را ادامه دهند.

درباره تأثیرات وقف و مخصوصاً نقش با اهمیت آن بر پایداری فضاهای مدارس مطالعات چندانی انجام نگرفته است. از این رو در این مقاله سعی خواهد شد، با بررسی تأثیرات وقف بر معماری و برنامه آموزشی مدارس صفوی، تأثیرات آن به عنوان عاملی در پایداری مدارس بیان گردد. از این جهت در این تحقیق با روشی تاریخی - تفسیری و با استفاده از منابع مکتوب وقف‌نامه و سفرنامه‌ها به بررسی مدرسه‌هایی مانند چهارباغ که موقوفه‌های عظیمی دارند و مدرسه شفیعیه که دارای درآمد موقوفات کمتری است، پرداخته می‌شود.

تأثیرات وقف بر برنامه آموزشی

وقف‌نامه‌ها علاوه بر بیان شیوه مصرف درآمد موقوفه‌ها نکات مهمی از کاربرد و نظام اداره و برنامه آموزشی مدارس را نیز به دست می‌دهد که به شناسایی مراکز آموزشی و چگونگی عملکرد آنها کمک می‌کند. پس می‌توان وقف‌نامه‌ها را اساسنامه‌ای دانست که با قرار دادن شروطی، به تشویق دانشجویان مستعد و تنبیه دانشجویان سبک‌سر برمی‌آید.

تعیین شرایط طلاب و مدرسین در وقف‌نامه‌ها

واقفان و بانیان به مواردی از قبیل شرایط احراز منصب استادی و تدریس، میزان حقوق و شرح وظایف مدرس، شرایط و ضوابط علمی، اخلاقی و مذهبی دانش‌پژوهان ساکن و میزان شهریه و هدایا و نذورات قابل تقسیم بین آنان، شرایط ادامه سکونت طالبان علم در مدرسه و علوم و متون مورد تدریس نیز پرداخته‌اند. در مدخل ایوان غربی مدرسه «شفیعیه»^۴ از بناهای دوره شاه عباس دوم در محله دردمشت اصفهان دو لوح سنگی نصب شده که رقبات موقوفه مدرسه و وظایف متولی و طلاب ساکن مدرسه بر آنها مسطور است. در یکی از آن دو لوح در مورد طلاب آمده است: «... آنچه از درآمد موقوفات باقی مانده، متولی میان طلبه ساکنان حجرات و بیوتات جنب مدرسه به شرط آنکه طلبه مشغول به طلب علوم دینی باشند و بیکار نباشند، فراخور استحقاق و صلاح و تقوی و فضل هر یک قسمت نمایند» (هنر فر، ۱۳۴۴، ۶۰۴).

تعیین محتوای درسی در وقف‌نامه‌ها

نکته جالب توجه در این وقف‌نامه‌ها آن است که صرف‌نظر از موارد یاد شده، بانیان مدارس در مورد محتوای دروس نیز نظر داده‌اند. به‌عنوان نمونه در وقف‌نامه مدرسه مریم‌بیگم آمده است: «... و باید کتاب‌های علوم وهمیه یعنی علوم شکوک و شبهات که به علوم عقلیه و حکمت مشهور و معروف است، مثل شفا، اشارات، حکمت‌العین، شرح هدایت و امثال ذلک به شبهه دخول در مقدمات علوم دینی نخوانند»^۴ (سپینتا، ۱۳۴۶، ۲۹۹).

تعیین مدت زمان تحصیل در وقف‌نامه‌ها

در مورد اکثر مدارس گفته می‌شود که هیچ‌گونه قید زمانی برای اتمام تحصیل وجود نداشته است، اما با مطالعه وقف‌نامه‌ها می‌توان دریافت که برخی از واقفان به این نکته مهم توجه داشته‌اند و

برای اقامت در مدرسه شرط زمانی معین کرده‌اند:

در وقف‌نامه مدرسه «مریم‌بیگم»، شرط شده است کسانی که پس از یک سال آثار ترقی در آنها دیده می‌شود و یا مدرس تشخیص می‌دهد که امکان پیشرفت دارند، باید پس از پنج سال مدرسه را ترک کنند و اگر عذری دارند که بر بودن آنان الزام دارد تنها تا دو سال دیگر می‌توانند در مدرسه بمانند. وی به صراحت قید کرده است که «نهایتش تا هفت سال؛ اما بعد از هفت سال البته باید که به در روند ... و هر که بعد از هفت سال یک روز بماند غاصب باشد و به غضب خدا و رسول خدا گرفتار شود» (همان). همچنین در همین وقف‌نامه اشاره شده است، که اگر یک سال بر واحدی بگذرد که ترقی در حال او به حسب علم و عمل نشده باشد یا مظنون مدرس شود که قابل ترقی نیست از مدرسه اخراج شود (همان).

تعیین نحوه اداره مدارس در وقف‌نامه‌ها

بانی هر مدرسه برای اداره مدرسه و موقوفات آن در مدرسه‌ها و مساجد، برای دانش‌پژوهانی که از شهرها و نقاط دور دست برای فراگرفتن علم آمده بودند، حجره‌هایی می‌ساختند تا از تحمل هزینه مسکن مصون بمانند. دیگر آنکه برای هر دانش‌پژوهی که پذیرفته می‌شد مقرری ماهانه و یا سالانه‌ای از محل درآمد موقوفه مدرسه تعیین می‌کردند تا بدون دغدغه خاطر برای تهیه غذا، به درس و بحث بپردازند و برای آنکه دانشجویان از مهم‌ترین وسیله تحصیل بی‌نیاز شوند، کتابخانه‌ای هم در مدرسه ترتیب می‌دادند.

گاه در وقف‌نامه‌ها مشاهده می‌شود، در مورد نحوه اداره مدرسه و آنچه متولی انجام می‌دهد، شرایطی تعیین شده است. به‌طور نمونه، در وقف‌نامه مدرسه «کاسه‌گران» قید شده است که متولی در حینی که حجرات مزبوره را به طلبه می‌دهد اولاً باید تحقیق احوال ایشان نماید که به غیر از تحصیل علوم دینی به کسب دیگر مشغول نباشد و اگر احدی از ایشان متأهل باشد شرط نماید که در هفته چهار شب، در حجره مدرسه که مختص اوست بیتوته نماید (اداره اوقاف اصفهان، وقف‌نامه مدرسه کاسه‌گران، سند شماره ۱۷۳)، وی در ازای شرطی که قرار داده فکر معاش طلاب را نیز کرده است؛ در جایی دیگر از وقف‌نامه گفته: «هر یوم مبلغ پنجاه دینار به طلبه سکنه^۶ هر حجره از حجرات مدرسه مزبور دهند و اگر حاصل موقوفات زیاده از حجره‌ای پنجاه دینار باشد، دو شخص را در یک حجره جای داده، هر حجره هر یوم مبلغ یک صد دینار تبریزی رسانند» (همان). معمولاً حقوق طلاب به صورت سرانه پرداخت می‌شد و با اینکه به هر حجره مبلغی معین تعلق می‌گرفت: در وقف‌نامه^۷ مدرسه چهارباغ که در ۱۱۱۸ ه. ق که کار ساختمان در حال اتمام بود، قید شده است که «حجره‌ای یکصد دینار تسلیم ساکنان آنها نماید، خواه در آن حجره یک نفر، خواه دو نفر ساکن باشند» (سپنتا، ۱۳۴۶، ۱۶۹). گاهی نیز میزان مقرری به طور یکسان تقسیم نمی‌شد، بلکه بر اساس پیشرفت علمی آنها بود.^۸

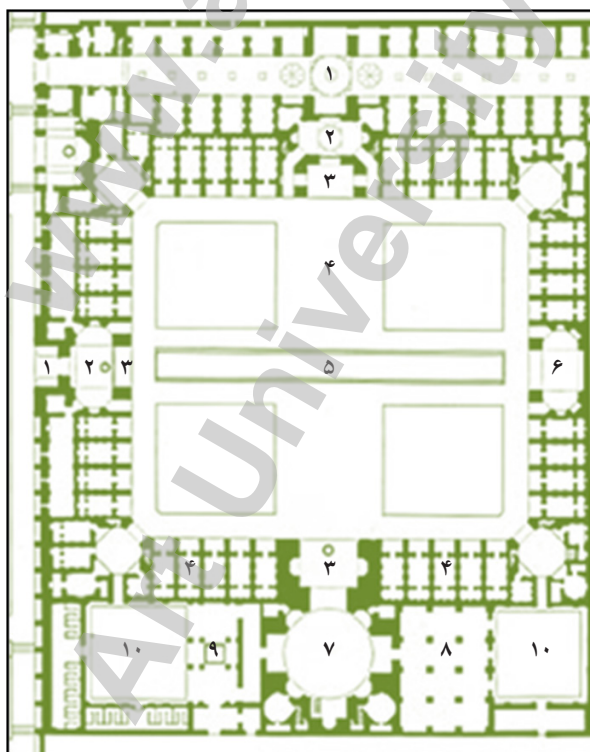
تأثیرات وقف بر معماری مدارس صفوی

در وقف‌نامه‌ها، از عملکردهای مختلف مدارس سخن گفته شده است: هرچند مدارس دارای عملکرد آموزشی بودند ولی همان‌طور که در مدرسه مریم‌بیگم دیده شد، این آموزش در چارچوب مسائل مذهبی صورت می‌گرفت. لذا در مدارس، محلی به عنوان نمازخانه اختصاص می‌یافت، اما این نمازخانه‌ها در اغلب موارد عمومیت نداشت و مختص ساکنان مدرسه بود. از طرفی هم بر اساس نیاز به وجود آرامش در چنین محیط‌های آموزشی و هم بر اساس شرایط وقف‌نامه، جنبه

عمومیت و کارکردهای اجتماعی از مدارس سلب می‌گشت (جاوری، ۱۳۷۸، ۱۳۷) مگر در پاره‌ای از مدرسه‌های بزرگ که کارکرد عبادی آنها بر کارکرد آموزشی‌شان تفوق داشت که اصطلاحاً به آنها مسجد - مدرسه گفته می‌شود؛ مانند مسجد - مدرسه چهارباغ. این نکته در وقف‌نامه مدرسه چهارباغ ذکر شده است:

«همگی و تمامی زمین آن را که به مساحت موازی نه جریب و کسری است با تمامی اعیان مستحدثه در آن به این تفصیل که اصل گنبد و ایوان و شبستان متصل به آن و ایوان جنوبی قرینه آن و صفا مغربی قرینه در را به صیغه مسجد وقف موبد نمودند بر کافه شیعیان اثنی عشریه که در آن اماکن صدق موطن به اقامت صلوات و سایر طاعات و عبادات جناب مجیب‌الدعوات قیام و به نشر علوم دینی و معارف یقینیه و مواعظ دلنشین موافق طرق ائمه طاهرین - علیهم افضل صلوات المصلین - اقدام نمایند. حجره‌های تحتانی و فوقانی را وقف موبد نمودند بر طالبان علوم دینی که اثنی عشری المذهب و صحیح‌الاعتقاد باشند و به دستور معمول در آن حجره‌ها سکنی و به تحصیل علوم شرعیه اشتغال نمایند و عرصه‌های مدرسه و حوض‌ها و چاه و مطبخ و باقی اعیان و آلات و عماراتی که در آنجا ساخته شده، هر یک را وقف موبد نمودند که در مصالح طالب علمان و نمازکنندگان در مسجد و سایر صادرین و والدین صرف شود» (نصیری مقدم، ۱۳۷۳، ۱۱۶).

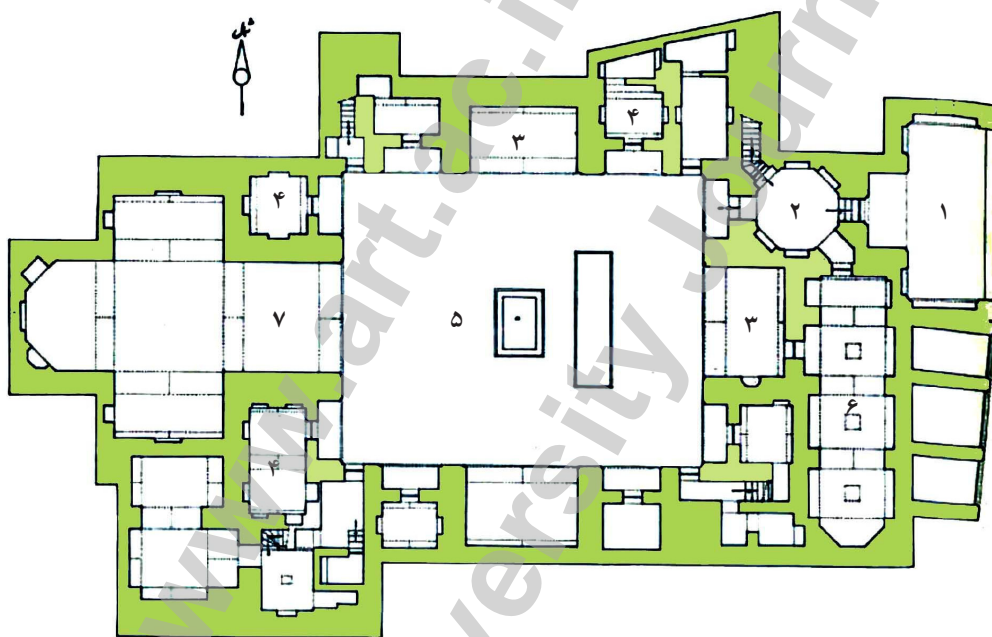
البته قابل ذکر است که به گفته صاحب کتاب «نصف جهان فی تعریف الاصفهان» هر چهار ایوانی که در مدرسه قرار دارد، «همه مساجد آن مدرسه است» (اصفهانی، ۱۳۶۸، ۶۹) (شکل ۱).



شکل ۱. پلان همکف مدرسه سلطانی

راهنمای نقشه: ۱. ورودی؛ ۲. هشتی؛ ۳. ایوان؛ ۴. حجره؛ ۵. صحن؛ ۶. مدرس؛ ۷. گنبدخانه؛ ۸. شبستان؛ ۹. وضوخانه؛ و ۱۰. حیاط خدماتی

در مدرسه شفیعیه نیز دو فضا به مسجد اختصاص داده شده: یکی از این فضاها با لفظ «چهار صفه» پشت ایوان غربی (شکل ۲ و شکل ۳) به عنوان یکی از دو مسجد موجود در مدرسه بدین ترتیب معرفی می‌شود: «... برای ادای نماز فریضه و مستحبه در مسجد که عبارت است از چهار صفه معینه بزرگ که روبه‌روی مشرق واقع است از مدرسه مذکوره و شبستان که آن نیز مسجد است...» (اداره اوقاف اصفهان، وقفنامه مدرسه شفیعیه، سند شماره ۱۱۶). علاوه بر آن، بر کتیبه نصب‌شده بر دیوار شمالی ایوان غربی مدرسه این متون دیده می‌شود: «و ممر بیوتات مذکور از میان مدرسه مسطوره است و این چهار صفه و شبستان متصله به کریاس مسجد در مدرسه است بر طلبه علوم دینیّه اثنتی عشر برای ادای صلوات» (می‌بینیم در وقفنامه افزون بر معرفی این فضا به عنوان مسجد، شبستان واقع در جبهه شرقی (شکل ۴) ساختمان را هم مسجد معرفی می‌کند که این نیز اهمیت وجود مسجد و نمازخانه را در مدرسه مورد بحث نشان می‌دهد).



شکل ۲. پلان مدرسه شفیعیه

منبع: گزارش میراث فرهنگی، ۱۳۷۶، ۸

راهنمای نقشه: ۱. ورودی؛ ۲. هشتی؛ ۳. ایوان؛ ۴. حجره؛ ۵. صحن؛ ۶. نمازخانه؛ و ۷. مسجد



شکل ۴. شبستان شرقی مدرسه شیعیه



شکل ۳. مسجد مدرسه شیعیه

علاوه بر آن می‌توان دید که واقف در شرایط خود بر استفاده عموم اهالی محلی از این مکان‌ها به عنوان مسجد و اقامه نمازهای یومیه و خواندن «روضه الشهداء» در روزهای عاشورا و بیست‌ویکم ماه رمضان هر سال اشاره دارد و حتی محل اعتبار مالی آن نیز مشخص شده که این نیز تأکید مجددی بر کارکرد مذهبی-اجتماعی این بنا در زمان خود است (همان) که بدین لحاظ به مدرسه جنبه‌های عمومی و مردمی داده شده است.^۸ این نکته در مدرسه چهارباغ نیز مشاهده می‌شود: در جدول تقسیم عایدات موقوفات (جدول ۱) که از رونوشت وقف‌نامه تهیه شده است، می‌توان دید که برای برگزاری مراسم احیا در ماه رمضان، روز ۲۱ ماه رمضان و جشن‌هایی که بدان‌ها اشاره شده، در مدرسه برای عموم شیعیان مقرری در نظر گرفته شده است.

جدول ۱. چگونگی تقسیم درآمد موقوفات مدرسه چهارباغ

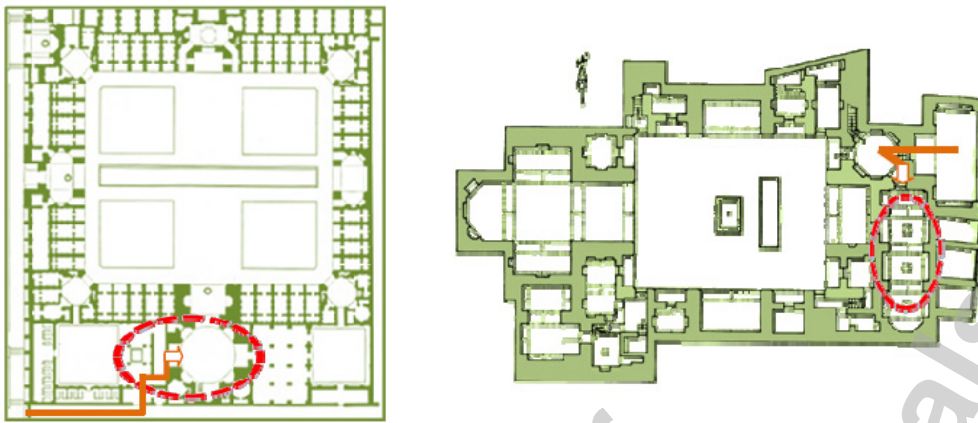
میزان یا مبلغ	محل مصرف درآمد
یک‌دهم	حق التولیه متولی شرعی
۳۵۱ تومان و ۸۱۰۰ دینار روی هم ۱۰۹۷ ریال	صرف خیرات و مبرات مدرسه
۲۹۶/۱ ریال	برای افطار مستحقان در ماه رمضان در مدرسه
۶۰۰۰ دینار	برگزاری مراسم احیای ماه رمضان برای ۶۰ نفر شیعه اثنی‌عشری
۴۱۰۰ دینار	در شب عید فطر برای افطار ۴۱ نفر در مدرسه
۵ ریال	خرید ظروف برای مراسم ماه رمضان
یک تومان و چهل هزار دینار	روز ۲۱ ماه رمضان برای تعزیه امام

جدول ۱. چگونگی تقسیم درآمد موقوفات مدرسه چهارباغ (ادامه)

میزان یا مبلغ	محل مصرف درآمد
۸۱ تومان	صرف ماه رمضان هر سال
۴۶ تومان	پذیرایی اعیاد
۲۸ تومان	جشن روز تولد پیامبر و جشن عید غدیر
۳۰۱ ریال	جشن عید قربان
۳۴۱ ریال	تعزیه ایام مذکور
۳۰ تومان	تعزیه محرم در مدرسه
۱۰۱ ریال	خرج عصر روز عاشورا
۳۰ تومان	اربعین
۲۴۲۱ ریال	ضروریات و خدمات مدرسه (کارکنان و عمله)
۲۸۰۰ دینار	حق التلاوه ۱۴ نفر قاری
۴۴۱ ریال	صرف ضروریات مسجد
۲۹ ریال	هزینه روشنایی مسجد و مدرسه
۸ تومان	تعمیرات و فرش مسجد و مدرسه
۵۰ تومان تبریزی	حقوق مدرس
۱۹۷ تومان	جمع حقوق بقیه کارکنان (خدمه، کتابدار، مؤذن و جز اینها)
۱۲۰۰۰ دینار تبریزی	در صورت اضافه آمدن درآمد: صرف عتبات و حرمین شریفین

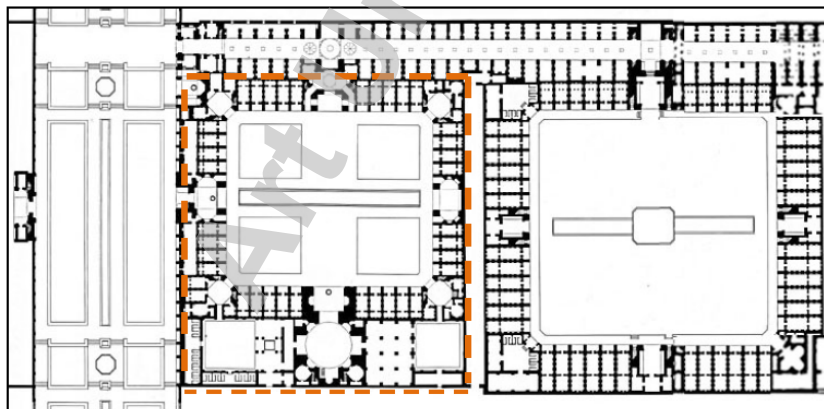
منبع: نظریان، ۱۳۸۴، ۸۰.

می‌توان گفت کالبد این دو بنا نیز کاملاً جوابگوی این نیاز بود و به گونه‌ای نبود که با چندمنظوره شدن و کاربری‌های اضافه، آرامش فضای مدرسه مختل شود و یا درس و بحث طلاب علم با اشکال مواجه گردد. مثلاً در مدرسه سلطانی (چهارباغ) به دلیل وجود ورودی مجزا در ضلع جنوب غربی مدرسه، دسترسی آسان به نمازخانه برای عموم ممکن می‌شد و فضاهای بهداشتی و وضوخانه نیز در نزدیکی نمازخانه ساخته شده بود تا کسانی که از بیرون بنا برای اقامه نماز مراجعه می‌کنند ناگزیر از رفتن به درون صحن و ایجاد اخلاص در زندگی آرام طلاب نباشند. در مدرسه شفیعیه نیز می‌توان دید که ورودی به شبستان از هشتی است و نمازگزاران عمومی بدون وارد شدن به صحن، وارد شبستان می‌شوند (شکل‌های ۵ و ۶).



شکل‌های ۵ و ۶. جای‌گیری نمازخانه با کاربری عمومی در مدرسه شفیعیه و چهارباغ

در نهایت با نگاهی به وقف‌نامه‌ها می‌توان گفت، فضا و فعالیت مدرسه‌ها از زندگی اجتماعی و مذهبی جدا و منفک نبود، بلکه در روزهای خاص مذهبی برای انجام مراسم عمومی به روی همگان باز می‌شد و در برخی از مدارس اوقات خاصی برای وعظ همگان اختصاص می‌یافت. این عملکرد در کنار دو نکته قبلی (عبادی و آموزشی) اهمیت محوری مدرسه را به عنوان بنای چندمنظوره در بافت شهری خاطر نشان می‌سازد. در حالی که امروزه، ارتباط میان مدرسه و محیط اجتماعی از نکات مورد توجه است (مدارسی که ارتباط خود را با شهر حفظ کنند و خدمات عمومی‌تری بدهند، همچنین دانش‌آموزان را با فعالیت‌های اجتماعی آشنا کنند). به طور خلاصه می‌توان گفت قائل شدن عملکردهای عمومی برای این مدارس و تأکید بر این امر در وقف‌نامه‌ها، باعث تداوم ارتباط آنها با جامعه و باعث پایداری هرچه بیشتر آنها خواهد شد. از نکات مورد توجه دیگر در وقف‌نامه‌های مدارس، این است که از درآمد موقوفات، نخست مقداری را که مربوط به حفاظت و نگهداری اصل وقف می‌شد کنار می‌گذاشتند و سپس حقوق هر یک از افراد را بر حسب متن وقف‌نامه یا عرف جاری می‌پرداختند، مانند آنچه در وقف‌نامه مدرسه کاسه‌گران (۱۱۰۵-۱۰۹۶) آمده است (سلطان‌زاده، ۱۳۶۴، ۳۹۸). این امر باعث می‌شد، مجموعه‌هایی که رقبات آنها (مثل کاروانسراها و بازار که عایدات آنها صرف موقوفه می‌شوند) در کنار موقوفه (مدرسه) واقع هستند، به صورت مستقل پایدار بمانند و سال‌ها موقوفه خود را حفظ کنند؛ مانند مجموعه چهارباغ که هم اکنون با همان کاربری اولیه به تربیت طلاب می‌پردازد (شکل ۷).



شکل ۷. پلان مدرسه و کاروانسرا و بازار

این مجموعه وقفی در شرق خیابان چهارباغ واقع شده و در اواخر صفوی در عهد حکومت شاه سلطان حسین (۱۱۳۵-۱۱۰۵ ه.ق.) ایجاد گردیده است.^۹ در شمال مدرسه چهارباغ بازارچه‌ای زیبا و مرتفع وجود دارد که در عصر صفویه بازارچه بلند و بازارچه شاهی نیز نامیده می‌شد. در شرق مدرسه چهارباغ کاروانسرای که به نام سرای فتحیه^{۱۰} مشهور است، قرار دارد و این هر دو یعنی سرا و بازارچه را مادر شاه سلطان حسین وقف بر مدرسه کرده است که عایدات آنها به اضافه عایدات سایر موقوفات مدرسه^{۱۱} نظیر مزرعه باغ ملک در چهارمحال بختیاری و احمدآباد کاشان خرج بازسازی مدرسه و تأسیسات آن و امور مربوط به طلاب مدرسان، و دیگر امکانات خدماتی مدرسه مانند مطبخ، کتابخانه و خدام این نهاد آموزشی می‌شده است (سپنتا، ۱۳۴۶، ۱۵۰). امکانات مدرسه حاصل از عواید مدرسه در سطحی بالا قرار داشته، به طوری که نوشته‌اند؛ این مدرسه را تنعم بسیار بوده و از جهت مادی هیچ‌گونه مشکلی نداشته‌اند: به گونه‌ای که آشپزخانه مدرسه از جهت تأمین مایحتاج خوراک طلاب و مدرسان در زمان شاه صفوی همواره برقرار بوده است (جابری انصاری، ۱۳۷۸، ۱۳۸).

همچنین مدرسه چهارباغ به دلیل عایدات و پشتوانه‌های زیاد حاصل از رقبات دارای کتابخانه باارزشی بوده که نه تنها به طلاب مدرسه بلکه به دیگر شیعیان غیر ساکن آن مدرسه که محتاج به آنها بودند، بعد از تجویز استاد، به امانت داده می‌شد. در وقف‌نامه کتب مدرسه چهارباغ ذکر شده است که این کتاب‌ها وقف بر شیعیان اثنی‌عشری است و طریقه استفاده از آن هم بدین صورت است که باید همیشه در ضبط کتابداری باشد و با تجویز مدرس، کتاب را بگیرند و به قدر احتیاج آن را نزد خود نگه دارند. اگر کسی طلبه مدرسه نباشد، ولی کتاب نیاز داشته باشد، باز باید مدرس مدرسه اجازه دهد (مختاری، ۱۳۷۵، ۷۴). در اینجا نیز می‌بینیم امکان امانت کتاب‌ها به افراد دیگر در وقف‌نامه اشاره شده و در نتیجه با خدماتی عمومی، پیوند خود را با جامعه مستحکم‌تر می‌کرده است.

به علاوه بررسی مدارس نشان می‌دهد که میزان رقبات و پشتوانه مالی مدارس بر ابعاد و اندازه‌های بنا، شیوه ساختمان، مصالح، ظرفیت اسکان طلاب، و تزئینات مدارس تأثیر می‌گذاشته است. برای نمونه، مدرسه چهارباغ با ابعاد (۹۰×۹۵ متر) که با حمایت مالی افراد ثروتمند زمان خود ساخته شده‌اند در ابعادی بزرگ با نقشه‌ای مفصل و تزئینات پرهزینه ساخته شده و از نظر شیوه ساختمان، به هیچ عنوان با مدرسه‌های کوچک و کم‌آرایه شفیعیه - که در همان زمان به سفارش افراد کم‌اعتبارتر بنا شده‌اند - قابل مقایسه نیست.

نتیجه‌گیری

در دوره صفوی، رونق موقوفات به شکوفایی فراوانی انجامید و بخش اعظم این موقوفات درآمد سرشار داشتند و همین امر سبب شکوفایی ساختار آموزشی و علمی دینی آن عصر گردید. به طور کلی می‌توان تأثیرات وقف را بر پایبندی مدارس صفوی، این‌گونه بیان کرد:

سنت وقف روشی بود که مدارس از آن طریق می‌توانستند استقلال نسبی خود را از دربار حفظ کنند. تأمین هزینه‌های مدرسه، از محل درآمد رقبات متصل به موقوفه باعث می‌شد پیش از تشکیل سازمان و اداره‌ای برای تعلیم و تربیت، مردم خود به ساخت و احداث مدرسه و مکتب بپردازند. با این کار بر مردم‌واری بناها تأکید می‌گردید که این خود باعث پایبندی بیشتر بناها در طول زمان می‌شد.

در مدارس صفوی، مدرسان و طلاب با عنایت به مقدار موقوفات، رفاه و آسایش داشتند و این

امر به گسترش فعالیت‌های علمی و امور فرهنگی کمک بسیاری کرده است، به طوری که به گفته کمپفر حقوق مدرس کاملاً مکفی بود و سالانه در روز مقرر و بدون کم و کاست پرداخت می‌شد. رفاه و آسایش در مدارس درجه یک که وقفیات بیشتری داشتند درباره دانش‌پژوهان و طلاب نیز مصداق می‌یافت. همچنین در وقف‌نامه‌ها، شرایط مدرس و متولی و طلبه و کتب مورد تدریس و نحوه دخل و خرج آن را مشخص و مدون می‌کردند. در واقع وقف‌نامه‌ها مشابه اساسنامه‌ای بودند که با قرار دادن شروطی، به تشویق دانشجویان مستعد می‌پرداختند.

در وقف‌نامه‌ها مبالغی نیز برای تهیه و استنساخ کتاب برای مدارس، احداث کتابخانه، و تعمیر و حفظ کتابخانه در نظر می‌گرفتند. این امکانات در مدارس که وقفیات بیشتری داشتند نیز محسوس‌تر بوده است؛ مثل مدرسه چهارباغ که همان‌طور که گفته شد - به دلیل همین پشتوانه‌ها کتابخانه مجهزی داشتند که نه تنها به طلاب مدارس، بلکه به دیگر شیعیان غیرساکن آن مدرسه که محتاج به آنها باشند، بعد از تجویز استاد، می‌توانست به امانت داده شود.

با بررسی وقف‌نامه‌ها دیده شد که در آنها بر پیوند زندگی اجتماعی و مذهبی در مدارس تأکید می‌شد. در آنها حتی اشاره شده که مدارس باید در روزهای خاص مذهبی برای انجام مراسم عمومی به روی همگان باز شود و در برخی از مدارس، اوقات خاصی برای وعظ همگان اختصاص بیابد. این عملکرد در کنار کاربری‌های «عبادی و آموزشی» مدارس، اهمیت محوری مدرسه را به عنوان بنای چندمنظوره در بافت شهری خاطر نشان می‌سازد. این چیزی است که در سال‌های اخیر در ارتباط میان مدرسه و اجتماع مورد توجه واقع شده است و توصیه می‌شود که مدارس ارتباطشان را با شهر تقویت کنند و خدمات عمومی‌تری بدهند، تا بستری باشد برای اینکه دانش‌آموزان با فعالیت‌های اجتماعی بیشتر آشنا شوند و با تحقق چنین امری (یعنی مستحکم‌تر شدن پیوند مدرسه و اجتماع) مدارس پایدار پای گیرند.

مهم‌ترین نکته در مورد وقف این فضاها این است که وسعت وقفیات نه تنها باعث تأمین منابع مالی برای ترمیم و تعمیر این مؤسسات آموزشی می‌شده، بلکه بقاء، تداوم و توسعه آن را نیز دربر داشته است. تا جایی که از درآمد موقوفات، نخست مقداری را که مربوط به حفاظت و نگهداری اصل وقف می‌شد کنار می‌گذاشتند و سپس حقوق هر یک از افراد را بر حسب متن وقف‌نامه یا عرف جاری می‌پرداختند. امروزه یکی از روش‌های حفاظت از بناهای واجد ارزش تاریخی، دادن کاربری به بنا دانسته شده است که موجب احیای^{۱۲} بنا می‌شود. این در حالی است که دقت در وقف‌نامه‌ها نشان می‌دهد که واقفان با تخصیص عایدات رقبات به حفاظت از بنا و همچنین با در نظر گرفتن شروطی مبنی بر عدم تغییر کاربری بنا در طول زمان مقرر، به این امر کمک فراوانی می‌کردند و بدین‌گونه آن را همواره زنده نگاه می‌داشتند. در این میان مجموعه‌هایی که رقبات در کنار موقوفه (مدرسه) واقع شوند، می‌توانند به صورت مستقل پایدار بمانند و سال‌ها موقوفه خود را حفظ کنند. مانند مجموعه وقفی چهارباغ که هم‌اکنون با همان کاربری اولیه به تربیت طلاب می‌پردازد و همچنان مأوای طلاب و دانشجویان است. می‌توان ادامه‌الگوی مدرسه چهارباغ را در معماری مدارس دوره قاجار به طور اعم و در مدرسه صدر بازار اصفهان و مدرسه سپهسالار تهران به طور اخص دید.

در نهایت می‌توان گفت به دلیل تطابق نظام آموزشی (که در وقف‌نامه‌ها نیز بدان‌ها اشاره شده) با کالبد فضاها، آموزشی در دوران صفوی، و چندمنظوره بودن این بناها که نیازهای آموزشی، عبادی و اجتماعی، اقامتی افراد را تأمین می‌کرده و هم به دلیل پشتوانه مالی که از طریق رقبات وقف‌ها تأمین می‌شده است، می‌توان این بناها را بناهای پایدار دانست.

پی‌نوشت‌ها

۱. وقف عبارت است از این‌که عین ملک و مالی از طرف مالک آن هرگز فروخته و یا به‌گرو گذاشته نشود و سود و بهره آن در راه خدا، موافق نظر واقف به مصارف خیر برسد (شهابی، ۱۳۴۲، ۱۲۶۶). اصولاً وقف امری است همیشگی و تغییرناپذیر.
۲. مدرسه معروف بیهقیه از کهن‌ترین مدارس نیشابور که حدود یکصد سال بر نظامیه قدمت و سبقت داشت تا سده ششم و حمله ترکان غز بر نیشابور همچنان دایر بود.
۳. شفیعیه را میرزا محمدشفیع اصفهانی فرزند جمال‌الدین خوزانی بنا نهاده است؛ کتیبه سردر مدرسه تاریخ تکمیل ساختمان را ۱۰۶۷ هجری نشان می‌دهد؛ بر طبق تاریخ وقف‌نامه آغاز کارهای ساختمانی مدرسه از سال ۱۰۶۴ شروع و تا سال ۱۰۶۷ بوده است. دو کتیبه با خطاطی محمدرضا امامی به تاریخ ۱۰۶۷ بر ایوان غربی وجود دارد که مفاد وقف‌نامه مدرسه را شامل می‌شود.
- «هو الواقف علی الضمائر بسم‌الله الرحمن الرحیم وقف نمود احوج المحتاجین الی غفور به الغفور محمد شفیع ابن جمال‌الدین محمد خوزانی اصفاهانی کل این مدرسه حقیره محدثه خود را با بیوتات معینه»، «معلومه مربوطه به آن‌که بیوتات مسفوره مشتمل است بر سه باب شاخه و حجرات تحتانی و فوقانی اطراف آنها و غسلخانه مربوط به مدرسه و فضای دیگر که کر و چاه و مستراح در آن واقع است»، «و ممر بیوتات مذکور از میان مدرسه مسطوره است و این چهار صغه و شبستان متصله به کرباس مسجد در مدرسه است بر طلبه علوم دینیه اثنی عشر برای ادای صلوات».
۴. در وقف‌نامه مدرسه چهارباغ نیز اشاره شده که طلاب باید به علوم شرعی مانند احادیث اهل بیت، تفسیر، فقه و اصول و همچنین فراگیری مقدمات آن مانند صرف و نحو اشتغال داشته باشند و حداقل یک درس طلاب باید یکی از کتاب‌های مشهور احادیث اهل بیت باشد و نیز تصریح شده است که طلاب باید از مباحثه درباره کتاب‌های حکمت بهره‌مند (سپینتا، ۱۳۴۶، ۱۴۴).
۵. قید طلبه سکنه به این دلیل است که روزانه افرادی پای درس مدرسین حاضر می‌شدند که در زمره طلاب اصلی مدرسه نبودند.
۶. نسخه اصل وقف‌نامه مزبور اکنون به شماره ۸۵۴۹ در موزه ایران باستان موجود است و محمدتقی دانش‌پژوه در جلد دوم نشریه نسخه‌های خطی طی فهرستی که از نسخه‌های خطی موزه ایران باستان ارائه کرده در خصوص این وقف‌نامه چنین نگاشته است: وقف‌نامه شماره ۸۵۴۹، رقع با قلم میرزااحمد نیریزی مورخ ۱۱۲۹، با گواهی به این مطلب با سرلوح و حاشیه‌سازی و جدول و ستون‌بندی به زر و لاجورد و شنکرف، عنوان زرین، کاغذ فرنگی، جلد تیماج سرخ با آستر چرمی سبز، در ۱۲۵۹ در کتابخانه بهمن میرزا پسر عباس میرزا بوده است. درباره وقف ابوالمظفر ابوالمنصور شاه سلطان حسین موسوی حسینی صفوی بهادرخان است زمین مسجد و مدرسه پهلوی چهارباغ شهر سپاهان را که نزدیک به نه جریب است با تولید پادشاه وقت و مورخ رجب ۱۱۱۸ با گواهی محمد مؤمن وزیر دیوان و جمال‌الدین محمد خوانساری و محمدباقر پسر اسماعیل حسینی خاتون‌آبادی مدرس همین مدرسه سلطانی و محمد زمان حسینی (دانش‌پژوه، ۱۳۴۰، ۲۱۸). در کتاب تاریخچه اوقاف از عبدالحسین سپینتا رونوشتی از وقف‌نامه موجود در صفحه ۱۴۴ نیز قرار داده شده است.
۷. چنین مسئله‌ای می‌توانست برای پیشرفت کار بسیار مؤثر باشد؛ اما چنین دقتی، کمتر از سوی واقفان شده است.
۸. توجه به جنبه‌های عمومی در مدارس، در وقف‌نامه مدرسه مریم‌بیکم نیز دیده شده است و در آن از روضه‌خوانی و مراسم تعزیه شهدای کربلا در دهه اول محرم و شب‌های نوزدهم، بیست‌ویکم، بیست‌وسوم، بیست‌وهفتم و بیست‌وهشتم ماه مبارک رمضان و همچنین اطعام شیعیان البته در مسجد کنار مدرسه سخن گفته شده است.
۹. کتاب وقایع السنین و الاعوام اثر سید عبدالحسین خاتون‌آبادی اصفهانی (۱۱۰۵-۱۰۳۹ ه.ق.) از مدرسین مدرسه، سال بنای مدرسه را ۱۱۱۶ و ۱۱۱۸ هجری ثبت کرده است (خاتون‌آبادی، ۱۳۵۲، ۵۵۶ و ۶۶۱) ولی بنابر تاریخ‌هایی که در خود مدرسه بر کتیبه‌های مختلف زمان سلطان حسین دیده می‌شود، تاریخ ساختمان این مدرسه را می‌توان بین ۱۱۱۶ تا ۱۱۲۲ هجری قمری دانست (سپینتا، ۱۳۴۶، ۱۱۸).
۱۰. کاروانسرای فتحیه را امروز مهمانسرای عباسی گویند.
۱۱. غیر از رقبات باقی‌مانده که ذکر شد، مدرسه چهارباغ دارای موقوفات زیادی بوده که پس از استیلای افغان بر اصفهان و ظهور نادر، چگونگی بسیاری از آن موقوفات نامعلوم بوده است.

منابع

- اداره اوقاف اصفهان، *وقف‌نامه مدرسه شفیعیه*، سند شماره ۱۱۶.
- اداره اوقاف اصفهان، *وقف‌نامه مدرسه کاسه‌گران*، سند شماره ۱۷۳.
- اصفهانی، محمدمهدی بن رضا (۱۳۶۸) *نصف جهان فی تعریف الاصفهان*، به تصحیح و تحشیه منوچهر ستوده، امیرکبیر، تهران.
- بلر و بلوم (۱۳۸۶) *هنر و معماری اسلامی (۲)*، ترجمه یعقوب آژند، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی (سمت)، تهران.
- جابری انصاری، حسن (۱۳۷۸) *تاریخ اصفهان*، ترتیب و تصحیح و تعلیق: جمشید مظاهری (سروش یار)، مشعل، اصفهان.
- جاوری، محسن (۱۳۷۸) «معرفی مدرسه شفیعیه و تطبیق وضعیت موجود آن با وقف‌نامه مربوطه»، مجموعه مقالات دومین کنگره تاریخ معماری و شهرسازی ایران، ارگ بم، به کوشش باقر آیت الله‌زاده شیرازی، ج ۲، سازمان میراث فرهنگی کشور، تهران.
- خاتون‌آبادی، عبدالحسین (۱۳۵۲) *وقایع السنین و الاعوام*، تصحیح محمد باقر بهبودی، اسلامیه، تهران.
- دانش‌پژوه، محمدتقی (۱۳۴۰) *فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه موزه ملی ایران باستان*، نسخه‌های خطی، ج. ۲، تهران.
- سبکی، تاج‌الدین عبدالوهاب بن علی بن عبدالکافی (۱۳۲۴ ه.ق.) *طبقات الشافعیه الکبری*، چاپ الحسینی، قاهره.
- سپینتا عبدالحسین (۱۳۶۶) *تاریخچه اوقاف اصفهان*، انتشارات اداره کل اوقاف اصفهان، اصفهان.
- سلطان‌زاده، حسین (۱۳۶۴) *تاریخ مدارس ایران از عهد باستان تا تأسیس دارالفنون*، نشر آگه، تهران.
- سمیع‌آذر، علیرضا (۱۳۷۶) *تاریخ تحولات مدارس در ایران*، انتشارات نوسازی مدارس، تهران.
- شاردن، ژان (۱۳۴۹) *سفرنامه*، ترجمه محمد عباسی، امیرکبیر، تهران.
- شهابی، علی‌اکبر (۱۳۴۲) *اوقاف، ایرانشهر، کمیسیون ملی یونسکو در ایران*.
- غنیمه، عبدالرحیم (۱۳۶۴) *تاریخ دانشگاه‌های بزرگ اسلامی*، ترجمه نورالله کسائی، انتشارات یزدان.
- کرمانی، افضل‌الدین ابوحامد (۱۳۲۶) *تاریخ افضل*، به کوشش دکتر مهدی بیانی، دانشگاه تهران، تهران.
- کمپفر، انگلبرت (۱۳۶۳) *سفرنامه کمپفر*، ترجمه کیکاوس جهانداری، ج. سوم، خوارزمی، تهران.
- گزارش سازمان میراث فرهنگی (۱۳۷۸) *سازمان میراث فرهنگی (مدرسه شفیعیه)*، اصفهان.
- مختاری، رضا (۱۳۷۵) *دو وقف‌نامه کتاب از عهد صفوی*، وقف میراث جاویدان، ۷۲-۷۵.
- نصیری مقدم (۱۳۷۳) *وقف‌نامه مدرسه چهارباغ اصفهان*، وقف میراث جاویدان، ۴: ۱۱۸-۱۱۲.
- نظریان، جواد (۱۳۸۴) *نظام آموزشی عصر شاه سلطان حسین صفوی*، مطالعه موردی مدرسه سلطانی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت مدرس.
- ویلبر، دونالد (۱۳۶۵) *معماری اسلامی ایران در دوره ایلخانیان*، ترجمه عبدالله فریار، انتشارات علمی و فرهنگی، تهران.
- هنرفر، لطف‌الله (۱۳۴۴) *گنجینه آثار تاریخی اصفهان*، کتابفروشی ثقفی، اصفهان.